



مگنگ

پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۸  
۴ چمدان کتابی ۱۴۴۱  
موزونوبه ۱۲۰۲۰  
شماره ۱۹۱۷۲۰  
ZENDERO@QUDSONLINE.IR

منبر

### برای پدر و دخترهای امروزی

قدس زندگی: بی‌مقدمه و به مناسبت این روزها، بخشی از سخنان حجت‌الاسلام رضا جوان آراسته را بخوانید که «فارس» روز گذشته منتشر کرد: «وقتی پیامبر (ص) در آن شرایط فکری عرب جاهلی، صاحب دختری می‌شوند و به دخترشان لقب «خیرکثیر» می‌دهند، یعنی این لقب‌گذاری فقط در لفظ نیست، پیامبر (ص) نوع رفتار خود با حضرت فاطمه (س) را به نحوی تنظیم می‌کنند که همگان محبت او و دخترشان را ببینند.

در جامعه جاهلی آن روز، جنس مؤنث بودن از کمترین ارزش در بین مردم برخوردار است، پیامبر (ص) اما هربار می‌خواهند به سفر بروند، آخرین نفری که می‌دیدند و از او خداحافظی می‌کردند حضرت فاطمه (س) بود. یعنی درحالی که حضرت زهرا (س) متأهل و در خانه همسر هستند، پیامبر (ص) خودشان شخصاً به خانه ایشان می‌رفتند و از دخترشان خداحافظی می‌کردند. وقتی هم از سفر برمی‌گشتند اولین مقصدشان خانه حضرت زهرا (س) بود.

تصور وضعیت آن زمان و فهم نسبت آدم‌ها در زمان عرب جاهلی که حتی غنا خوردن زن و مرد بر سر یک سفره یا کسر شئان مرد به حساب می‌آورد، نشان می‌دهد که این رفتار پیامبر (ص) چقدر تابوشکن، مهم و فرهنگ‌ساز بوده است. این محبت و احترام فقط از سمت پیامبر (ص) نبوده است. حضرت فاطمه (س) ارتباط عاطفی شدیدی با پدرشان داشته‌اند. این را کمتر از زبان روایان می‌شنویم که در بیشتر جنگ‌های پیامبر (ص) از جمله غزوات، حضرت زهرا (س) در پشت صحنه جنگ و کنار ایشان حضور داشته‌اند. در همین جنگ‌ها اگر پیامبر (ص) مجروح می‌شدند، پرستاری از ایشان به عهده حضرت فاطمه (س) بود. این ارتباط محبت‌آمیز فقط مختص زمانی نیست که حضرت زهرا (س) دختر خانه هستند. حتی زمانی که ایشان ازدواج می‌کنند و از خانه پیامبر (ص) می‌روند این ارتباط و احترام قلبی و عاطفی حفظ می‌شود. آیاتی بر پیامبر نازل شده است که می‌گوید همسران پیامبر (ص) «همهات المؤمنین» یعنی مادران معنوی جامعه اسلامی هستند. بعد از نازل شدن این آیه، پیامبر (ص) همسرانشان را «المؤمنین» و دختر خود را «ابیها» خطاب می‌کنند. یعنی حضرت فاطمه (س) را نه مادر مؤمنین بلکه مادر رهبر جامعه خطاب می‌کنند که این یک جایگاه رفیع بین مردم برای حضرت فاطمه (س) است. والدین و بالخاص پدرها در ارتباط با دخترانشان باید پیامبر (ص) را آن هم با توجه به زمانی که ایشان در آن زندگی می‌کردند الگوی خودشان قرار بدهند. ما در این روزگار که حال و احوال پرسیدن با امکانات امروزی بسیار راحت‌تر از آن زمان است و دختران هم مانند پسران در جامعه ارج و قرب دارند، باز هم خیلی از اوقات مانند پیامبر حامی عاطفی فرزندان خود نیستیم.»

## گفت‌وگو با «مهدی نقویان» کارگردان مستند «در برابر طوفان ۳» درباره پشت صحنه‌های افشا نشده از دربار پهلوی دوم با قدرت کار کنیم، دست شبکه‌های معاند خالی می‌ماند

۱۲



### ورزش

بررسی رقیبان چهار تیم ایرانی در دور گروهی لیگ قهرمانان جنگ با ستارگان در غرب آسیا

مجیدی: با این مشکلات فکر نمی‌کردم رلیان را با پنج گل شکست بدهیم

### قائدی نه، ما نیمار را داریم!



اقدام مشترک بازیکنان پرسپولیس علیه مدیران باشگاه

### کابوس اعتصاب روی سر گل محمدی و انصاری فرد



ماهواره جدید کشورماق شمعوماق بادهمه فجر په فضا پرتاب می‌شود

## نوبت فتح و ظفر

محمد تربت‌زاده؛ تقریباً ۱۰ سال از معرفی اولین نمونه «ظفر» می‌گذرد؛ نمونه‌ای که در ابتدا هنوز در حد و اندازه‌های یک ماکت مقوایی بود. به همین خاطر خیلی‌ها آن روزها ظفر را یک رویای دست نیافتنی و یک طرح بلند پروازانه می‌دانستند که قرار نیست هیچ وقت به مرحله اجرا برسد. حتی تا همین چند ماه پیش که مسئولان از پیشرفت مراحل نهایی «ظفر» صحبت می‌کردند، هنوز هیچ‌ساز باورش نمی‌شد که ماهواره‌ای با این سطح از تکنولوژی در کشورمان ساخته شده باشد. روز گذشته و پس از انتشار توییت پر سروصدا وزیر ارتباطات،

### روایت مجازی

#### آب را به پهلوی شکسته قسم بدهید

قدس زندگی: احمد یوسفزاده را حتماً می‌شناسید. رزمنده و نویسنده کتاب مشهور «آن بیست و سه نفر»، یوسفزاده روز گذشته به بهانه سالروز شهادت حضرت زهرا (س)، خاطره توسل حاج قاسم و غواص‌هایش به ایشان در شب تصرف «فلو» را در کنال تلگرامی‌اش منتشر کرده بود که در ادامه آن را می‌خوانید:

«ژنرال‌های کارکشته دنیا به صدام گفته‌اند ایران از نظر فقه ممکن است به خاک شما بورش بیآورد، آلا از منطقه فلو، ژنرال‌ها گفته‌اند هیچ‌کس نمی‌تواند از دریای موحیزر ارونند بگذرد. گفته‌اند پای گذاشتن غواص در ارونند همان و پیدا شدن جنازه‌ها را «یا فاطمه الزهرا» را به همه نیروهای خلیج فارس همان. گفته‌اند ارونند نابکار است، در اثر جزر و مد مسیر حرکتش را تغییر می‌دهد. گفته‌اند ارونند ریاکار است، سطح ایش آرام، اما لایه‌های زیرین‌اش پر شتاب می‌گذرد. ژنرال‌های دنیا همه این‌ها را به صدام گفته‌اند، اما در ساحل شرقی نهر علی شبر، حاج قاسم سلیمانی و حاج احمد امینی تصمیم خودشان را گرفته‌اند.

غواص‌های لشکر ناله تصمیم گرفتند در همین هوای منقلب خط فلو و پشت سددام را یکجا بشکنند. حاج قاسم باید غواص‌هایش را با تار یک شدن هوا آرام و بی‌صدا از رود عبور دهد تا خط دشمن را تصرف کنند و محسن رضایی رمز «یا فاطمه الزهرا» را به همه نیروهای عملیات اعلام کند و ناگهان صد‌ها قایق تیزرو با مردانی مصمم مثل گلوله به سمت شبه جزیره فلو عراق حرکت کنند و با رخنه در لشکر سددام، خبری دنیا را تکان بدهد که «مردان قورباغه‌ای ایران از ارونند گذشتند، فلو را به تلافی خرمشهر گرفتند تا امام‌القرص و بصره در تیررسشان باشد و راه عراق را به دریای آزاد قطع کنند.»

فردا باید این خبر سرتیتر همه روزنامه‌های منطقه و جهان باشد، فردا باید صدام از این شکست تلخ دیوانه شود و فرماندهانش را اعدام صحرایی کند، اما با آن ابر سنج و باد بی‌موقع حاج قاسم چه می‌توانست بکند جز اینکه غواص‌های لشکر را جمع کند دور خودش، بغضش را فرو بدهد و با صدای آرام و چشمی اشک‌آلود بگوید: برادر! آنچه نباید می‌شد، حالا شده طبق پیش‌بینی الان باید آسمان صاف و ارونند آرام باشد. اما نیست. حالا برای عبور از موج‌های سرکش ارونند فقط یک راه مانده است، آن را به پهلوی شکسته زهرا (س) قسم بدهید! نام حضرت زهرا (س) در حریری از اشک تکثیر شد و در آسمان پیچید دل‌ها قوت گرفت. سپاه به حرکت درآمد پیاده و مسواره به سمت ارونند. غواص‌ها از زمین باتلاقی حاشیه رود می‌گذردند و در کنار آن آرایش می‌گیرند. به دست‌تور، تن به آب سرد می‌زنند، سرعت آب و تلاطم رود طوفان‌زده در قدم اول می‌خواهد همه را نا امید کند، غواص‌ها یک متر جلو می‌روند، آب دو متر آن‌ها را عقب می‌نشانند. آن‌ها با رشت‌های طناب به هم وصل هستند، باید در آب صعبی می‌فین بزنی و می‌جلو بزوری! با موج زورآزمایی کنی و کم کم نفس‌هایت به شماره میفتد و دستانت از سوز سرما کرخت بشوند و طناب از دستت رها بشود و آب با شتاب از جمع جدایت بکند و هیچ‌کس در آن شب تاریک و وهمناک متوجه غرق شدنش نشود.

نبردی سنگین میان مرادی که دگر کار زهرا بر لب دارند و رودخانه‌ای که راه نمی‌دهد در گرفته است. گروه موقعیت خودشان را گم می‌کنند، همه جا آب است و سرگردانی و البته امید. ناگهان پای نفر اول به زمین سفت می‌رسد. می‌زهر! رسیدیم به ساحل! همه از آب بیرون می‌آیند. بی صدا در ساحل آرایش می‌گیرند. تازه اول کار است. باید با هجوی می‌تند، خط دشمن را فتح کنند. می‌کنند. دشمن راهی جز فرار ندارد. حاج احمد امینی می‌ایستد روی یال خاکریز اول عراق و با بی‌سیم می‌گوید: با فاطمه الزهرا، با فاطمه الزهرا، حاجی، مأموریت انجام شد. حالا نوبت شماست. آن طرف، کنار نهر علی شیر، مروراید اشک، زنجیر پلاک حاج قاسم را می‌گیرد و پایین می‌آید. حاجی بی تاب و اشکبار فریاد می‌زند: زهرا جان ممنون. بی‌بی جان متشکرم.»

این، عمر ظفر هم بین یک و نیم تا سه سال تخمین زده شده بود. آن طور که سازندگان ظفر گفته بودند، این ماهواره نسبت به آخرین ماهواره تولید شده در ایران یعنی نوید، پنج برابر قدرت تفکیک بهتر در تصاویر، سه برابر دقت کنترل وضعیت بهتر، نرخ ارسال در زمینه داده‌های تصویری ۱۵ برابر، برای داده‌های دورسنجی (تله‌متری) ۱۳۷ برابر و برای تله‌کامد نیز ۸.۱ برابر بیشتر و سریع‌تری داشت. کنترل وضعیت ماهواره ظفر هم با روش سمجوره انجام می‌شود که سطح بالاتری از فناوری نسبت به روش چرخان است که در ماهواره نوید استفاده شده بود. قرار بود توان مورد نیاز این ماهواره با استفاده از سلول‌های خورشیدی برای دوره کاری چندماهه یا چندساله آن فراهم شود.

به خاطر همین امکانات فوق پیشرفته هم بود که خیلی‌ها ظفر را یک پروژه خیالی می‌دانستند که مثل ماهواره‌های روز دنیا، قابلیت عکس‌برداری به صورت رنگی را دارد.

#### طراحی مجدد

مسئولان در مراسم رونمایی از ظفر، اعلام کرده بودند این ماهواره سال ۱۳۹۱ به فضا پرتاب می‌شود. این اتفاق اما محقق نشد و مسئولان پرتاب ظفر را تا سال ۹۲ به تعویق انداختند. در تابستان ۹۲ در حالی که ظفر آماده پرتاب شده بود، به دلیل آماده نبودن پرتابگر سیمرغ، سفر ظفر به فضا یک بار دیگر به تعویق افتاد. تا سال ۹۵ دیگر خبری از ظفر نبود تا اینکه همان زمان، از مصاحبه‌های مسئولان مشخص شد سازندگان ظفر به دلیل شکست خوردن در چند آزمایش، تصمیم گرفته‌اند این ماهواره را از تقا دهند.

درحالی که همه منتظر بودیم تا نمونه نهایی ظفر در سال ۹۶ سرانجام به فضا پرتاب شود، اما رئیس سازمان فضایی کشور اوایل مرداد آن سال اعلام کرد ماهواره ظفر تا دو سال آینده به مرحله پرتاب می‌رسد. آن زمان رسانه‌ها اعلام کردند حجم تغییرات ماهواره بومی ایرانی به قدری زیاد بوده که سازندگان مجبور به طراحی مجدد آن شده‌اند.

#### ۳۴۰ هزار نفر

طبق آخرین اطلاعات منتشر شده، تغییرات ظفر در برخی دوربین‌های آن بوده که شامل نصب یک دوربین با تفکیک ۲۲.۵ متر، قابلیت تعیین موقعیت و محموله ذخیره و ارسال داده همزمان به ۲۵۶ کاربر است. علاوه بر این، دقت کنترل ظفر دو برابر شده و نرخ ارسال داده‌های آن هم تا ۱۵ برابر افزایش یافته است. تصاویری هم که در روزهای اخیر از این ماهواره بومی منتشر شده، نشان می‌دهد نمونه نهایی ظفر زمین تا آسمان با نمونه‌های قبلی تفاوت دارد. علاوه بر تغییرات در ابعاد بدنه، نوع سلول‌های خورشیدی به کاررفته در ماهواره ظفر جدید نسبت به نسل اول آن تغییر کرده است. آن طور که مسئولان گفته‌اند، ساخت ظفر جدید سه سال زمان برده و بیش از ۳۴۰ هزار نفر برای ساخت آن تلاش کرده‌اند.

وزن نمونه جدید ماهواره ظفر هم افزایش پیدا کرده و بر اساس آخرین اطلاعات حدود ۱۱۳ کیلوگرم وزن دارد. نمونه جدید ظفر قرار است ۵۳۰ کیلوگرم از کره زمین دور شود و از طریق مدارهای اطراف کره زمین، در زمان حدود ۹۴ دقیقه یک دور گردش کامل به دور

### هفتواهنه

#### محسن ذوالفقاری

#### اینا همش راسته... باور کن!

جمعه: بعد از سفر کاری چند روزه، دوست داشتم سریع برسم خانه و استراحت کنم. تا پرهیزی کرده و اسنپ گرفتم. راننده با جمله «خدایا همه آخوندهای ناپاک را نابود کنه!» سر حرف و سفره دلش را باز کرد. به مقصد هم که رسیدیم، ماشین را خاموش کرد و حدود یک ساعت باهم بحث کردیم. حساب کردم اگر با اتوبوس می‌رفتم ارزان‌تر در می‌آمد که هیچ، زودتر هم به خانه می‌رسیدم... البته بحث با راننده اسنپ و نشستن سر سفره دلش به هزینه مادی و معنوی که کردم، می‌آرزید!

شش‌شنبه: این بار اسنپ را بی‌خیال شدم. کتابی برداشتم تا در مسیر، توی اتوبوس مطالعه کنم. فقط ایستگاه اول را یادم هست. این قدر محو مطالعه کتاب شدم که وقتی سررم را بالا آوردم دیدم به ناکجاآباد رسیدیم! پیاده شدم و آن طرف خیابان، اتوبوس برگشت را سوار شدم تا به قراری که با دوستان داشتم برسم. منتهای وسوسه کتاب، این بار گولم نزد. فریخته بازی را کنار گذاشتم تا حواسم به تک تک ایستگاه‌ها باشد و دوباره برنگردم سر خط!

یکشنبه: کتاب «آن سوی مرگ» ذهنم را خیلی درگیر کرده و هرجا که باشم، اتفاقات کتاب انگار جلو چشم‌هایم است. از این پاراگراف تا پاراگراف بعدی، یکی دو بار بین شک و تردید در رفت و آمد بودم! یک بار که توی اتوبوس در حال مطالعه همین کتاب بودم، مسافر صدای جولو داشت با صدای بلند در مورد زندگی دوست میلیاردش حرف می‌زد که کمک به فقر باعث شده بود از چنگال مرگ حتمی نجات پیدا کند! دائم هم به کنار دستی‌اش تاکید می‌کرد: «اینا همش راسته... باور کن!»

دوشنبه: امروز با شنیدن جمله: «ما از بی‌کفنی زنده‌ایم» آن هم از دهان فردی که دستش به جز دهان خودش، اگر بخواهد، به دهان دیگران هم می‌رسد، بیشتر و بیشتر نجات و قناعت و صداقت و ایمان مردم بلوچ را که در روزهای کمک‌رسانی به سیل‌زدگان ملاقاتشان کرده بودم، فهم کردم! مردمی که در عین حال نداری و فقر و محرومیت کلمه شکر از زبانشان نمی‌افتاد!

سه‌شنبه: پیرمردی آمد و دنبال صاحب ایستگاه صلواتی می‌گشت! مسعود را که کنارم ایستاده بود نشانش دادم. پیرمرد از او پرسید: «شما صاحب ایستگاه هستید؟» جواب شنیدم: «نه حاج آقا! ما خادم ایستگاه هستیم! صاحبش حضرت زهرا (س)!» پیرمرد که انتظار چنین جوابی را نداشت، همان طور که اشک می‌ریخت سر و صورت مسعود را گرفت زیر بوسه باران! نفهمیدیم برای همین بوسیدن و اشک ریختن دنبال صاحب ایستگاه می‌گشت یا کار دیگری داشت؟

#### چهارشنبه: بعد از حدود چهار هفته که از بخش فیلم صحبت‌های «حاج قاسم» در خصوص مسجد می‌گذشت، بازخوردهایی قابل تأمل به دستم رسید.

دوستان دعوت کننده «حاج قاسم» می‌گفتند: «آن روز، منتظر بودیم سردار با تیم اسکورت و حفاظت و... بیاید ولی یکی از همراهان ایشان تماس گرفت و گفت جواری هماهنگ کنید تا بتوانیم سریع وارد بشیم... فکر کردم حفاظت ایشان زودتر رسیده و مستقر شده اما دیدم فقط یک ماشین ایستاد و حاج قاسم بدون اسکورت و محافظ از آن پیاده شد... همان‌جا مهرش به دلم بیشتر نشست... خیلی‌ها که فیلم را دیدند، دنبال این بودند که بتوانند یک کپی از آن را در مساجدشان پخش کنند. ای کاش تا وقتی که حاج قاسم در میانمان بود، بیشتر به او و حرف‌هایش توجه می‌کردیم و ای کاش تر اینکه توجه به سخنان و زندگی و سرگذشت حاج قاسم فقط در حد حرف و به به و چه‌چهای ما نماند!









### نقد فیلم

annotation@qudsonline.ir  
مصطفی یوسف‌زاده

نگاهی به فیلم «امیر» ساخته نیما اقلیما

### فیگور انسان مدرن

فیلم امیر در واقع داستان قابل توجهی ندارد و کارگردان با تکیه بر داستان گویی به روش مینیمالیستی و با استفاده از تجربه‌گرایی در فرم بصری فیلم و بهره‌بردن از ریتم بسیار کند

تلاش کرده تا ملال‌انگیز بودن یک زندگی مدرن شهری را در تهران امروز روایت کند. بنابراین در قاب‌بندی‌های تصویری فیلم با استفاده از دروس‌های باز و بستن لوکینگ‌روم، فضای خفقان و بن‌بست زندگی را به مخاطب منتقل می‌کند. علاوه بر همه این‌ها فیلم به شدت از رنگ‌پردازی‌های گرم و گیرا دوری کرده و با استفاده از تونالیته رنگ‌های مرده و سرد بیش از پیش فضای فیلم و روابط انسانی را سرد، گسسته و بی‌روح نشان می‌دهد. رویکردی که بیشتر در فیلم‌های پاول پولویکوفسکی مانند آیدآ و جنگ سرد دیده‌ایم با این تفاوت که فیلم‌های او سیاه و سفیدند و داستانشان در بستر جنگ‌جهانی روایت می‌شود. خب طبیعی است در چنین فضایی غزل به امیر می‌گوید با مردی در

خارج از کشور قرار گذاشته و به او ادامه‌مند است و به آسانی از پسرپچه شیرین‌زایش می‌گذرد و جدای وطن می‌کند. (البته در آخرین نما از او شاید بتوان گفت برمی‌گردد، ولی فیلم عمده‌انه بر ابهام تأکید دارد)ابهامی که در طول روایت فیلم عمق می‌یابد و جزو مؤلفه‌های سینمای مدرن است. در چنین فضایی است که خواهر امیر، ریما مانند زنی روان‌پریش و افسرده کارهای عجیب و غریب می‌کند. مدام با والدینش سرنامزگاری و پرخاش دارد بدون اینکه فیلم پاسخ مشخصی درباره علت بروز چنین رفتاری از طرف او بدهد.

در جهان فیلم امیر آدمها آن‌قدر تک‌فائده و متزوی‌اند که از به زبان آوردن جمله‌ای شاید عاشقانه طفره می‌روند.مانند زن آرایشگری که با امیر همسایه است، فقط او را در آنستور می‌بیند و با نگاهش امیر را تمنا می‌کند و یا بی‌اعتنایی کامل امیر مواجه می‌شود و در فصل آخر حضورش در فیلم با بغضی فروخورده از این رفتار از کنار او رد می‌شود.

برای همین است که هیچ‌چیز زیبا نیست. آسمان شهر گرفته و رحم از میان آدمیان رخت بر بسته است.هیچ رنگی معنا ندارد. رنگی وجود ندارد که معنایی داشته باشد. تابلوهای نقاشی روی دیوارها به جای روح‌فزا،ی، آرامش‌زایی می‌کنند. گورسوی امیدوی در روابط انسان‌ها وجود ندارد و تنها امیر است که تلاش دارد برای این آدم‌ها کاری کند.غزل و اردلان را به خانه‌اش می‌برد. علی را در محل کارش پناه می‌دهد. با خواهر روان‌پریشش صحبت می‌کند. غمخواری پدر و مادر درماده‌اش را می‌کند ولی چه سود؟

امیر با بازی میلاد کی‌مرام در چهره خود حکایت از غمی سترگ دارد که بازنمود استعارگی‌اش در چهره او، ردی است که خود می‌گوید به خاطر ماه‌گرفتی است. او خود مظهر بن‌بست و سترونی است. فقط تلاش می‌کند کاری کند ولی نمی‌تواند. سیگار کشیدن‌های مکرر او جز راوی درمادگی او در سامان‌رساندن رابطه‌ای انسانی است؟

جالب اینکه تا پایان فیلم هیچ تصویر واضحی از اردلان تنها کودک فیلم نداریم. یا صدای خارج از قابش را داریم و یا تصویری مات از حضور او. وقتی مسأوری غزل آهنگرفتن می‌زند و او را نزد امیر تنها می‌گذارد، فیلمسناز تصویری از اردلان نشان می‌دهد که مانند فردی بزرگسال از امیر تقاضای سیگار می‌کندا انگار او هم در چنین وضعیت بحرانی ترجیح می‌دهد امیر دیگری باشد.امیری که خیلی زود ساز نامیدی‌اش را کوک می‌کند. پیش از این در سینمای ایران امیرحسین ثقفی تا حدودی توانسته بود فیلم انسان‌های تک‌فائده و دورافتاده از فضای شهری را به تصویر بکشد. با این تفاوت که نیما اقلیما در شکل بصری فیلمش بیش از حد روی به تجربه‌گرایی آورده و با میزاسن‌های تک‌نفره و با استفاده از معماری مدرن، راوی افسردگی و افسارگسیختگی روابط انسانی در بستر زندگی شهری شده است.

فیلم امیر توانسته با تمهیدات بصری و روایی، فیگور انسان امروز شهری را در بستر انزوای جامعه به تصویر بکشد. انسانی که در مناسبات مدرن هر روز تنها و تنها‌تر می‌شود.

## خبر

### «فقد سینما» در «فجر ۳۸» زنده نیست

**مهر**: تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی «فقد سینما» از ضبطی شدن این برنامه سینمایی شبکه پنج‌سیمادر طول جشنواره فیلم فجر خبر داد و دلایل این تصمیم را تشریح کرد. یوسف بجاری، تهیه‌کننده برنامه

تلویزیونی «فقد سینما» با اشاره به تولید شدن این برنامه در ایام جشنواره فجر تصریح کرد: در تصمیم‌گیری برای ضبطی شدن ویژه‌برنامه‌های زنده مرتب با جشنواره فیلم فجر، دو نکته مدنظر بوده است؛ یکی بالا بردن کیفیت برنامه‌هاست چون برنامه زنده به سرعت و شتاب بیشتری نیاز دارد و دیگری فراهم شدن امکان حضور کارشناسان متنوع‌تر در برنامه که با توجه به زمان پیش‌برنامه در ساعات پیش از نیمه‌شب دستمان بازت است. وی ادامه داد: در جشنواره فیلم فجر برنامه «فقد سینما» ساعت ۰۰:۳۰ شب روی آنتن می‌رود و تا ۲۰ تا ۳ پادماذ پخش آن ادامه پیدا می‌کند. با توجه به این ساعت پخش، با ترفند ضبطی شدن می‌توانیم اشخاص و کارشناسان بیشتری را برای حضور در برنامه با خود همراه داشته باشیم.

بجاری تأکید کرد: البته فاصله زیادی بین ضبط و پخش نیست و صرفاً چند ساعت زودتر برنامه ضبط و برای پخش ارسال می‌شود. این فاصله بین ضبط و پخش هم آنچنان زیاد نیست که بخواهد بازبینی خاصی روی آن صورت بگیرد، اما شرایط میهمان بهتر است و تا نیمه‌شب مجبور نیستند برای حضور در برنامه منتظر بمانند. وی افزود، از طرفی در برنامه زنده ممکن است بحث جایی طولانی‌تر و هشتم فیلم فجر، دو نکته مدنظر بوده است؛ یکی بالا بردن ضبطی شدن برنامه مدیریت بهتری روی کنداکتور خواهیم داشت. بجاری درباره اینکه چرا برنامه در همان ساعات ۲۲ و پیش از نیمه‌شب به صورت زنده پخش نمی‌شود هم توضیح داد: کنداکتور شبکه پنج در آن ساعت به صورت شبانه‌خالی نیست و برای ۱۰ شب متوالی مجبوریم پس از نیمه‌شب برنامه را روی آنتن ببریم.

تهیه‌کننده «فقد سینما» در پایان درباره تغییرات این برنامه در ایام جشنواره اظهار کرد: به برنامه امسال دو میز فرعی اضافه شده و تیمی از دانشجویان علوم‌انسانی تشکیل داده‌ایم که فیلم‌ها را می‌بینند و درباره آن‌ها گفتگو می‌کنند و یک میز فرعی نقد داریم. همچنین میز دیگری برای فیلم‌های کوتاه و مستند داریم که از کارگردانان دعوت می‌کنیم. صادق داور، فری، مستندساز و مجری رادیو در آن حضور دارد. منتقدان سینمایی برنامه نیز به اقتضای فیلم‌ها ترکیب‌های متفاوت‌تری خواهند داشت.

**ا سیما و سسینما/ زهره کهندل** | مجموعه

مستند «در برابر طوفان» ۹۳ روایتگر تاریخ سیاسی و اجتماعی پهلوی‌دوم از زمان پادشاهی محمدرضا پهلوی تا انقلاب‌اسلامی است. در این مجموعه صداها و تصاویر دیده نشده از تاریخ معاصر کشور نمایش داده می‌شود. مهدی نقویان که بدطولایی در ساخت مستندهای سیاسی و انقلابی دارد و مستندهایی همچون خارج از دید ۱ و ۲، رمز و راز ملکه ... در کارنامه او به چشم می‌خورند، حالا به مناسبت ایام‌الله دهه مبارک فجر مستندی جذاب و دینی با استفاده از فیلم‌هایی کمتر دیده شده و بکر از زمان رژیم‌سابق سعی دارد دوران پهلوی‌ها را از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار دهد.

مجموعه «در برابر طوفان» ۹۳ با همکاری شبکه مستند و مرکز آفرینش‌های هنری بسیج ساخته شده و اتفاقات ویژه یک سال آخر حکومت پهلوی و منتهی به انقلاب را بررسی می‌کند. این اتفاقات به بهانه‌های مختلف فلش بک خورده و مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. این مجموعه ۱۰ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای است که در ایام دهه فجر امسال از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن روی آنتن می‌رود و بخش این مجموعه مستند از شبکه یک سیما هستند و مستند خواهد بود که ساعت پخش آن از شبکه یک سیما بین دو اواخر ۱۹ و ۲۱ است و در شبکه مستند نیز ساعت ۲۲ پخش می‌شود. مهدی نقویان که سابقه ساخت دو فصل از مجموعه مستند «در برابر طوفان» را دارد در گفت‌وگو با خبرنگار ما به بیان جزئیات ساخت فصل سوم این مجموعه و اهمیت مستندهای آرشویی می‌پردازد که مشروح آن را می‌خوانید.

♦ **درباره فصل جدید مجموعه مستند «در برابر طوفان ۳» توضیحاتی می‌دهید، گویا در این مجموعه از تصاویر کمتر دیده شده هم استفاده کردید؟**

همین‌طور است. در این مجموعه تصاویر آرشویی خاصی وجود دارد که برای نخستین بار در تلویزیون رونمایی می‌شود. علاوه بر این ما سومین مجموعه «در برابر طوفان» را می‌بینیم که درباره حکومت پهلوی است. جالب است بدانید وقتی فصل اول «در برابر طوفان» را ساختم احساس می‌کردم با ساخت مجموعه ۱۰ قسمتی که هر کدام ۵۰ دقیقه‌است همه اتفاقات حکومت پهلوی پوشش داده می‌شود، اما میدم عرصه کار در این زمینه خیلی خالی است و هنوز هم جای کار دارد. در سال‌های اخیر دشمنان جمهوری‌اسلامی تمرکز ویژه‌ای به سلطنت‌طلب‌ها دارند و با هزینه گسترده فعالیت‌های رسانه‌ای زیادی را راه‌اندازی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به شبکه‌ی من و تو اشاره کرد. در حقیقت تلاش‌های گسترده‌ای برای تطهیر پهلوی انجام می‌دهند. ما براساس توان خودمان کار می‌کنیم و به نظر ما برای ساخت برنامه‌های تلویزیونی به غیر از مستند نظیر فیلم‌های سینمایی، سریال و ... وجود دارد. معتقدم در این زمینه باید کیفی‌تر ورود کنیم. این برهه از تاریخ برای مردم بسیار جذاب است و اگر ما آن را روایت نکنیم، روایت غیرواقعی به دست رسانه‌های معاند می‌افتد.

♦ **فصل سوم این مجموعه به چه مقطعی از حکومت پهلوی می‌پردازد؟**

«در برابر طوفان ۳» از تابستان ۱۳۵۶ آغاز شده

## تلویزیون

عباس رافعی عنوان کرد

## سردرهای مناسبتی تبدیل به تجارت شده است



کمتری بر جوانان دارد. سریال مناسبتی باید تأثیری داشته باشد و پس از پخش آن تحقیق کنند که تأثیرش را گذاشته یا نه.

این کارگردان در ادامه با انتقاد از شیوه قدیمی ساخت سریال‌های تاریخی در ایران گفت: از نظر ساختاری و تکنیکی اکنون در هیچ کجای دنیا سریال‌ها بدون بهره‌مندی از تکنیک‌های دیجیتال کامپیوتری ساخته نمی‌شوند. سریال‌های تاریخی از (سی جی آی) استفاده می‌کنند؛ مثلاً ۴۰۰ نفر را تکثیر می‌کنند تا ۴۰۰ نفر ظاهر دیده شوند و دکور به وسیله جلوه‌های ویژه ساخته می‌شود، اما در ایران هنوز شهر کوفه و بلخ می‌سازند. ما دو تا دکور کعبه ساختیم؛ یکی برای فیلم مجید مجیدی و دیگری برای سریال «ختارنامه». سریال‌های تاریخی مثل «بازی تاج و تخت» و «آرباب حلقه‌ها» در استودیو ساخته می‌شوند و هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کند.

رافعی در پایان این گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که چرا سریال‌هایی با محوریت شخصیت‌های زن مذهبی و تاریخی به ندرت ساخته می‌شوند، گفت: در اسلام بانویی که بتواند تأثیرگذار باشد، زیاد داریم. حتی در جنگ علیه داعش هم زنانی بودند که چه از لحاظ سلحشوری و چه روشنگری فعالیت‌هایی داشتند، اما هیچ‌وقت نامی از آن‌ها گفته نشده است. اگر هم‌پای سریال «مریم مقدس(س)» سریالی هم درباره حضرت زینب(س) می‌ساختیم، خیلی می‌توانست تأثیرگذار باشد. یا مثلاً درباره حضرت فاطمه(س) ما هیچ‌وقت داستان کامل و تأثیرگذاری نشدیدم و آنچه در دید تأثیری بر مخاطب نداشته باشد، گفت: نگاه مدیران صداوسیما نسبت به سریال‌های مناسبتی باید تغییر کند. هر سال همان سریال‌ها را می‌سازند و هر سال تأثیرگذاری



عنوان منجی نشان می‌دهند که اگر حکومتش ادامه داشت، وضعیت ایران چنین نبود. یا خاندان پهلوی که به عنوان ناجی مردم ایران نشان می‌دهند. البته رسانه‌های ما هم در حوزه تاریخ معاصر کم‌کاری دارند، چون تاریخ پهلوی به بعد، برای مردم ایران اهمیت دارد و وقتی در رسانه به آن پرداخته شود، مردم جذبش می‌شوند، مخاطب شنه شنیدن روایت تاریخ معاصر است.

عنوان منجی نشان می‌دهند که اگر حکومتش ادامه داشت، وضعیت ایران چنین نبود. یا خاندان پهلوی

که به عنوان ناجی مردم ایران نشان می‌دهند. البته رسانه‌های ما هم در حوزه تاریخ معاصر کم‌کاری دارند، چون تاریخ پهلوی به بعد، برای مردم ایران اهمیت دارد و وقتی در رسانه به آن پرداخته شود، مردم جذبش می‌شوند، مخاطب شنه شنیدن روایت تاریخ معاصر است.

♦ **همان‌طور که گفتید خلاً روایت از جنایت‌های رژیم پهلوی موجب شده که از این خاندان منجی‌سازی شود، چه باید کرد که از این خلأ پر شود؟**

آن‌ها با رسانه‌هایشان ذهن مخاطب را هدایت می‌کنند. در سال ۵۷ انقلاب شده نه اعتراض بود نه اعتصاب و نه اصلاحات. انقلابی که همه‌چیز را زیر و رو کرد. خواست مردم موجب انقلاب شد، چون پایه‌های حکومت پهلوی نامشروع بود. از فساد اخلاقی و اقتصادی بگیرد تا نوع حکومت که دیکتاتوری بود و روزنه امیدی برای مردم وجود نداشت، ولی رسانه‌های معاند دارند فضا را به سمت دیگری می‌برند و واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دهند. خیلی عجیب است که رسانه‌های غربی در همان زمان از مخالفان حکومت پهلوی بودند و حالا حامی آن‌ها شده‌اند! پس مشخص است که روایت‌هایشان در پایه واقعیت نیست. اگر ما با قدرت کار کنیم، دست آن‌ها خالی می‌ماند. من روزنه‌های امید را می‌بینم که هرچه در حوزه رسانه پیش می‌رویم، قوی‌تر می‌شویم.

♦ **اشاره داشتید که در مجموعه «در برابر طوفان ۳» که مقطع تاریخی یک و نیم ساله تابستان ۵۶ تا زمستان ۵۷ را روایت می‌کند، از تصاویر دیده نشده جدیدی رونمایی می‌شود. در این باره هم توضیح می‌دهید که چطور به این تصاویر دسترسی پیدا کردید؟**

در مجموعه‌های قبلی، خاندان پهلوی را از ابتدای سلطنت تا انتهای سلطنت مرور کردیم. تمام تصاویر

## برش

در چند سال گذشته دیدیم که رسانه‌های معاند و معارض با چه جدیدیتی دارن دگر کار می‌کنند و چطور حقیقت را آن‌طور که می‌خواهند نشان می‌دهند. وقتی ما واقعیت را آن‌طور که هست نشان ندهیم، رسانه‌های معاند آن‌طور که بخواهند اتفاقات تاریخی را روایت می‌کنند. ما در حوزه روایت تاریخ انقلاب و تاریخ دفاع مقدس کارهای کیفی کمی ساختیم و امیدوارم که این خلأ پر شود. البته در سال‌های اخیر کارهای خوبی ساخته شده است.

♦ **ضمن اینکه رسانه‌های معاند با روایت‌های خودشان از اتفاقات تاریخی، برخی جریانات روز را به نفع خودشان پیش می‌برند و مصدره می‌کنند؟**

همین‌طور است. در همین راستا ایده‌ای با موضوع روایت پهلوی از زبان رسانه‌ها و سیاستمداران خارجی دارم که امیدوارم زودتر عملیاتی شود. در دیکتاتور بودن محمدرضا پهلوی تردیدی نیست، در اینکه خاندان پهلوی چقدر فساد اقتصادی و اخلاقی داشتند شکی نیست. آن‌ها مخالفان بسیاری در سراسر دنیا داشتند حتی به وقت حضور محمدرضا پهلوی در آمریکا تظاهرات و اعتراضات مردمی علیه او انجام شد، چون یک چهره منفور داخلی و خارجی بود. محمدرضا‌شاه به عنوان چهره‌ای ضدردمی و سرکوبگر شناخته می‌شد. در حالی که امروز رسانه‌های معاند ایران محمدرضا‌شاه را به

گفت‌وگو با «مهدی نقویان» کارگردان مستند «در برابر طوفان ۳» درباره پشت صحنه‌های افشا نشده از دربار پهلوی دوم

# با قدرت کار کنیم، دست شبکه‌های معاند خالی می‌ماند

آرشویی که از زمان پهلوی مانده است، پروپاگاندای این خاندان است و چیزی از نقد پهلوی‌ها در آرشوو آن‌ها نمی‌بینید به جز سال ۵۶ تا ۵۷ که افسسار حکومت از دستشان خارج شد. البته بخش زیادی از این آرشوها امحا شده یا به خارج از کشور منتقل شده است. خوشبختانه در این مجموعه اتفاقات جذابی را پیدا کردیم که برای اولین بار روایت می‌شود. کشتارهای جنایتکارانه پهلوی‌ها که با تانک مردم را به گلوله بستند و جنگ تانک و آسمان در خیابان رخ داد. ما در این مجموعه تاریخ انقلاب مردم را در سال ۵۷ نشان می‌دهیم که تماشای آن ارزش دارد.

♦ **چرا تاکنون این تصاویر نمایش داده نشده است؟**

بخشی از آرشوو پهلوی در تلویزیون نبود. بخشی در ارتش بود، بخشی در کاخ سعدآباد و بخش‌هایی در جاهای دیگر که آرشوو را پراکنده کرده بود. ضمن اینکه تبدیل کردن این راش‌ها به فرمت دیجیتال زمانبر بود. البته ما سیستم دیجیتال و منظم آرشوو نداریم که پژوهشگر و فیلمساز به آن آرشوو منظم و تجمع شده رجوع کند. پیدا کردن این راش‌ها هم کار راحتی نبود و سختی‌های زیادی را متحمل شدیم. امیدوارم این مجموعه مستند حرف‌های تازه‌ای برای مخاطبان داشته باشد. بنای ما بر این بوده که به کار نگاه مناسبتی نداشته باشیم و مدت زیادی برای ساخت آن صرف کردیم. ضمن اینکه ما آرشویی به دست آمده نوشتیم که بر سندیت آن می‌افزاید.

♦ **فکر می‌کنید مجموعه «در برابر طوفان» ظرفیت ساخت فصل چهارمی هم دارد؟**

من احساس تکلیف نمی‌کنم که باید ادامه آن ساخته شود و امیدوارم توان ساخت آن را داشته باشیم. برایم عجیب است که چرا دیگر مستندسازان روی این موضوعات کار نمی‌کنند. عده‌ای گله دارند که به آرشوو دسترسی نداریم، خب ما هم شرایط سختی برای دسترسی به آرشوو داشتیم و برای همه مراحل باید نامه‌نگاری می‌کردیم. این‌طور نیست که آرشوو را برای ما بفرستند که فیلم بسازیم. همان‌طور که ساخت مستند تولیدی دردرسه‌های خودش را دارد، کار آرشویی هم سختی‌های خودش را دارد. به نظر مستندسازان ما در حوزه تاریخ معاصر دغدغه ندارند.

♦ **شاید یکی از دلایل بی‌ رغبتی به ساخت مستند در حوزه تاریخ معاصر، افتراق در نظرشود و روایت‌ها در زمان ساخت و حساسیت‌ها و حتی فحش خوردن‌ها پس از ساخت مستند است؟**

خدا نکند که فیلمساز فهم خودش از تاریخ را روایت کند، چون روایت شخصی خودش از تاریخ است. من سعی کردم تا جای ممکن خودم را کنار بکشم و روایت شخصی از تاریخ نداشته باشم، بلکه روایت واقعی از وقایع تاریخی داشته باشم. منظور از روایت واقعی روایت فلان تحلیلگر نیست، بلکه روایت انقلاب و مردم است. انقلاب ۵۷ براساس اصول و ضوابطی شکل گرفت که در بیانات امام‌خمینی(ره) و رهبری وجود دارد و غیرقابل دسترسی نیست. درک شخصی یا برداشت شخصی فیلمساز نباید مسیر اصلی فیلم قرار بگیرد چون موجب سوءتعبیر از اتفاقات تاریخی می‌شود.

### پویانمایی

دبیر نخستین رویداد رقابتی تولید انیمیشن «منهاج» خبر داد

## ساخت ۳۰ انیمیشن از سردار سلیمانی



وی افزود: رویداد ما تجاری نیست – اگر چه مقدمه‌ای برای یک اتفاق تجاری(مجمتع صنایع سرگرمی) است – و با توجه به اینکه زمان برنامه‌ریزی رویداد پیش از اربعین شهید سلیمانی است، جامعه نیاز به تولید محتوا دارد. تیم محتوایی ما خیلی زحمت کشیدند تا توانستند ۳۴ قصه مستند پیدا کنند. اکنون ۳۰ تیم در مسابقه ثبت‌نام کرده‌اند، یعنی حداقل ۳۰ انیمیشن با موضوع شهید سلیمانی تولید می‌شود که آن‌ها‌الله در شبکه‌های تلویزیونی و فضای مجازی منتشر خواهد شد. ما خودمان از الان برای دیدن کارها ذوق و شوق داریم، چون تیم‌هایی که شناسایی و پذیرفته شده‌اند، بینشان تیم‌هایی هستند که توانایی‌های بالایی دارند و قابلیت تبدیل‌شدن به انسترات‌اپ را دارند.

♦ **محصولات از طریق شبکه‌های تلویزیونی و همچنین بستر فضای مجازی منتشر می‌شود**

دبیر تیم تصحیح کرد: دکنه‌دیگر اینکه تیم‌ها کار تولید را به صورت تجربی و فنی و صنعتی تجربه می‌کنند. اینکه انیمیشن را طی سه روز ساخت، تقریباً در همه جای دنیا نشدنی است و ما ایرانی‌ها هستیم که می‌توانیم چنین کاری بکنیم. مثلاً شی که ترامپ موضوع تغییر پایتخت رژیم‌صهیونیستی را مطرح کرد، ما صحبت رویدادمان را به سمت شخصیت والای ایشان ببریم. محصول داشتیم! این همان صنعتی شدن است، یعنی هم فرهنگی است، هم تجاری. یکی از اتفاقاتی که در صنایع اقتصادی در حوزه رسانه پیش می‌آید (مثلاً خلق فیلم و انیمیشن) اگر مجری بازار و جامعه مخاطب را بسنجد و بداند اکنون چه موضعی را باید انتخاب کند، هم از نظر تجاری و هم از نظر فرهنگی برد می‌کند.